

Original Article

The Mediating Role of Basic Psychological Needs in the Relationship Between Family Functioning and Psychological Distress Among Students

Ali Asghar Hafez¹, Hajar Falahzade^{✉2}

1. Department of Psychology, Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

2. Department of Psychology, Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Received: 2024.01.13

Revised: 2024.11.19

Accepted: 2024.11.20

Doi: [10.48308/jfr.2024.234418.1687](https://doi.org/10.48308/jfr.2024.234418.1687)

Abstract: The present study was conducted with the aim of examining the mediating role of basic psychological needs in the relationship between family functioning and psychological distress among students. The research method was correlational. The statistical population included all students of Tehran city in the academic year 1400-1401, of which 237 individuals were selected using convenience sampling and responded online to the Family Assessment Device, the Basic Psychological Needs Satisfaction Scale and Depression-Anxiety-Stress scale (DASS-21). Data analysis was performed using structural equation modeling method. the results showed that there is a significant positive relationship between family functioning problems and three main aspects of psychological distress, namely depression, anxiety and stress, there is a significant negative relationship between family functioning problems and each of basic psychological needs, namely autonomy, competence and relatedness, and also there is a significant negative relationship between each of basic psychological needs with depression, anxiety and stress. Overall, the assumed mediation model of basic psychological needs in the relationship between family functioning and psychological distress had a good fitness (CFI= 0/974, IFI=0/975, RMSEA=0/071). According to the findings, it can be demonstrated that basic psychological needs mediate the relationship between family functioning and psychological distress among the students.

Keywords: Anxiety, Basic Psychological Needs, Depression, Family Functioning, Psychological Distress, Stress

How to cite: Hafez, A. A., & Falahzade, H. (2024). The Mediating Role of Basic Psychological Needs in the Relationship between Family Functioning and Psychological Distress among Students. *Journal of Family Research*, 20(2), 143-163. doi: 10.48308/jfr.2024.234418.1687

✉ **Corresponding Author Email Address:** h_falahzade@sbu.ac.ir



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the creative commons attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقاله پژوهشی

نقش میانجی نیازهای اساسی روانشناختی در رابطه بین کارکرد خانواده و آشفتگی روانشناختی در میان دانشجویان

علی اصغر حافظ^۱✉، هاجر فلاحزاده^۲

۱. گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۳۰

دریافت نسخه اصلاح شده: ۱۴۰۳/۰۸/۲۹

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳

Doi: [10.48308/jfr.2024.234418.1687](https://doi.org/10.48308/jfr.2024.234418.1687)

چکیده: پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای نیازهای اساسی روانشناختی در رابطه بین کارکرد خانواده و آشفتگی روانشناختی دانشجویان انجام شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بودند؛ که از بین آن‌ها ۲۳۷ نفر با نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شده و به صورت آنلاین به مقیاس کارکرد خانواده، مقیاس تامین نیازهای اساسی روانشناختی (نسخه عمومی)، و پرسشنامه افسردگی-اضطراب-استرس (DASS-21) پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها با روش مدل‌سازی انجام شد. نتایج نشان داد که رابطه مثبت معناداری میان مشکلات کارکرد خانواده با سه جنبه اصلی آشفتگی روانشناختی یعنی افسردگی، اضطراب و استرس وجود دارد؛ رابطه منفی معناداری میان مشکلات کارکرد خانواده با هر کدام از نیازهای اساسی روانشناختی یعنی خودمختاری، شایستگی و ارتباط وجود دارد و همچنین، رابطه منفی معناداری بین هر کدام از نیازهای اساسی روانشناختی با افسردگی، اضطراب و استرس وجود دارد. روی-هم‌رفته، مدل مفروض واسطه‌مندی نیازهای اساسی روانشناختی در رابطه بین کارکرد خانواده و آشفتگی روانشناختی از برآزش مطلوبی برخوردار بود (CFI= ۰/۹۷۴، FI= ۰/۹۷۵، RMSEA= ۰/۰۷۱). باتوجه به یافته‌ها می‌توان گفت که نیازهای اساسی روانشناختی رابطه بین کارکرد خانواده و آشفتگی روانشناختی در دانشجویان را میانجی‌گری می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: استرس، اضطراب، افسردگی، کارکرد خانواده، نیازهای اساسی روان‌شناختی

استناد به این مقاله: حافظ، ع. ا. و فلاح زاده، ه. (۱۴۰۳). نقش میانجی نیازهای اساسی روانشناختی در رابطه بین کارکرد خانواده و آشفتگی روانشناختی در میان دانشجویان. خانواده پژوهی، ۲۰(۲)، ۱۴۳-۱۶۳. doi: 10.48308/jfr.2024.234418.1687

✉ نویسنده مسئول: h_falazade@sbu.ac.ir

مقدمه

آشفته‌گی روان‌شناختی^۱ حالاتی از آشفته‌گی روانی و عاطفی است که افسردگی^۲، اضطراب^۳ و استرس^۴ سه جنبه عمده آن هستند (ایگان، دالی و دلانی^۵، ۲۰۱۶). افسردگی، عبارت از احساس غم، روحیه پایین، کاهش قابل توجه انگیزه و لذت و نیز تجربه گوشه‌گیری است؛ که در صورت زیاد شدن کمیت و شدت یا مدت باقی ماندن، ممکن است تشخیص یکی از انواع اختلالات افسردگی برای فرد را ایجاب نماید (گنجی^۶، ۱۴۰۰). اضطراب، یعنی واکنش هیجانی ناخوشایند به موقعیت‌ها و شرایط، نوعی برانگیختگی روانی همراه با ترس، تردید و نگرانی را به دنبال می‌آورد؛ که در سطح مزمن یا شدید، مشکل ساز بوده و در صورت عدم رسیدگی به آن ممکن است به صورت یکی از انواع اختلالات اضطرابی بروز نماید (گنجی^۶، ۱۴۰۰). استرس نیز، مجموعه‌ای از واکنش‌های فیزیکی، ذهنی و عاطفی در پاسخ به تنش‌های مختلف را در بر می‌گیرد که تجربه زیاد آن، پیامدهای ناخوشایند روانی و جسمانی ایجاد می‌کند (مک‌فرسون، مک‌آلونی-کوکامان، مک‌گلینچی و همکاران^۷، ۲۰۲۱). بنابراین، سطوح بالای هر کدام از این جنبه‌ها می‌توانند منجر به ناراحتی و نقص قابل توجه عملکرد بیمار در حوزه‌های مهم زندگی او شوند و معیارهای یک اختلال جدی بالینی را برآورده کنند (نچو، تسهای، بیرکی و همکاران^۸، ۲۰۲۱). اختلالات اضطرابی همواره باری سنگین بر دوش فرد، خانواده و جامعه محسوب می‌شوند که برای مدت بیشتری طول می‌کشند، پرهزینه‌ترین طبقه اختلالات روانی‌اند و هزینه‌هایی از جمله هزینه خدمات روان‌پزشکی و کاهش کیفیت تحصیلی و شغلی را به خانواده و جامعه تحمیل می‌کنند (گنجی^۶، ۱۴۰۰). افسردگی نیز، در صورت به‌طول انجامیدن یا شدید شدن، انگیزه ادامه‌دادن به فعالیت‌های اساسی و کیفیت زندگی را بسیار پایین آورده و تاثیر مخربی روی توانایی تصمیم‌گیری و سازگاری با دیگران می‌گذارد (کری و کیسک^۹، ۲۰۲۱). میان افسردگی مزمن یا شدید با خودکشی ارتباطی قوی وجود دارد و از این‌رو، پیش‌گیری از جدی‌شدن نشانه‌ها و حالت‌های افسردگی و تبدیل شدن آن‌ها به یک اختلال افسردگی شدید یا مقاوم‌به‌درمان بسیار حیاتی است (گنجی^۶، ۱۴۰۰). همچنین قراردادن در معرض استرس بالا، باعث می‌شود که فرد از راهبردهای مقابله‌ای^{۱۰} ناسازگارانه‌ای استفاده کند که او را تحت فشار بیشتری قرار می‌دهند و در صورت تداوم اختلال زیادی در عملکرد فرد به وجود می‌آورد (گنجی^۶، ۱۴۰۰). در مجموع، میان افزایش سطح آشفته‌گی روان‌شناختی و احتمال ابتلاء بیشتر به سایر اختلالات روانی ارتباط معناداری وجود دارد (استوکبریج، ویلسون و پاگان^{۱۱}، ۲۰۱۴). همچنین، سطوح بالای آن می‌تواند در احتمال ابتلای بیشتر به بیماری‌های روان‌تنی، سرطان و... دخالت داشته باشد و با کیفیت زندگی پایین‌تر و هزینه‌های بالاتر مراقبت‌های بهداشتی همبستگی دارد (هاورکمپ، تورنسما، ورگوون و هونینگ^{۱۲}، ۲۰۱۵؛ ایگان، دالی و دلانی^۵، ۲۰۱۶). با توجه به رنج زیاد این اختلالات، بدعملکردی بارز ناشی از آن‌ها و پیامدهای بعضاً بسیار ناگوار آن‌ها همچون خودکشی، این ضرورت وجود دارد که پژوهش‌های حوزه روانشناسی بالینی فقط به درمان اختلالات روانی محدود نباشند؛ بلکه مدل‌هایی را مشخص کنند که با مداخله کردن بر مبنای آن‌ها افراد بتوانند پیش از این‌که سطوح آشفته‌گی روان‌شناختی‌شان افزایش یا تداوم یافته و تشخیص یکی از انواع اختلالات اضطرابی، افسردگی یا مشکلات روانی ناشی از استرس بالا را برایشان ایجاب نماید، میزان آشفته‌گی روان‌شناختی خود را کاهش

دهند و به‌دنبال آن از ایجاد یا توسعه این اختلالات پیشگیری نمایند. بنابراین، مفاهیم یا سازه‌هایی که بتوانند در این مسیر نقش ایفا کنند از اهمیت فراوان برخوردار هستند.

یکی از این مسیرهای کاهش آشفتگی روان‌شناختی و پیش‌گیری از تشدید و تداوم این حالات، مسیر ارضانمودن نیازهای اساسی روان‌شناختی^{۱۳} است؛ که در نظریه خودتعیین‌گری^{۱۴} شرح داده شده‌است (رایان و دسی^{۱۵}، ۲۰۱۹). براساس این نظریه، انسان به عنوان یک موجود زنده نیازهایی دارد که در میان این نیازها، سه نیاز بنیادی و ذاتی به عنوان نیازهای روان‌شناختی اساسی، از چنان اهمیتی برخوردارند که تحول و عملکرد سالم و خودتعیین‌گری به طور بنیادی با آن‌ها پیوند می‌خورد و عبارت‌اند از: نیاز به خودمختاری^{۱۶}، نیاز به شایستگی^{۱۷} و نیاز به ارتباط یا تعلق^{۱۸} (رایان و دسی، ۲۰۱۷). خودمختاری، احساس انتخاب و عاملیت در آغاز، نگهداری و تنظیم فعالیت‌ها را شامل می‌شود (یانگ، ژانگ و شلدن^{۱۹}، ۲۰۱۸). شایستگی، بازتاب‌گر نیاز به مؤثر بودن در تعامل با محیط اجتماعی، کسب فرصت برای تمرین و ابراز توانایی‌ها و تولید پیامدهای مطلوب، تسلط بر وظایف چالش برانگیز و احساس قابلیت تأثیرگذاری می‌باشد (پیلوت، لالاندی، تیناوی و همکاران^{۲۰}، ۲۰۲۱؛ رایان، رایان، دی‌دومنیکو و دسی^{۲۱}، ۲۰۱۹). ارتباط نیز از میل به درگیر بودن در روابط حمایت‌کننده و گروه‌های صمیمانه و برقراری پیوندهای عاطفی با دیگران حکایت دارد و نیاز به تعامل با اجتماع و تعلق به برخی افراد را در بر دارد (رایان و دسی، ۲۰۲۰؛ وینستین، خباز و لگات^{۲۲}، ۲۰۱۶؛ سیمونس و آلاکائو^{۲۳}، ۲۰۱۴). با توجه به نقش حیاتی تأمین این نیازها در ارتقای سلامت و بهزیستی روان‌شناختی و نیز سازه‌هایی همچون رضایت^{۲۴}، اعتمادبه‌نفس^{۲۵} و انگیزه^{۲۶} (نواک، چانگ، ایکسو و همکاران^{۲۷}، ۲۰۲۱؛ رایان و دسی، ۲۰۱۷؛ رایان و همکاران، ۲۰۱۹؛ یونانو، گومز، کورتز و همکاران^{۲۸}، ۲۰۱۷؛ بشارت، جعفری و غلامعلی لواسانی^{۲۹}، ۱۴۰۰)، به نظر می‌رسد که تأمین آن‌ها با تجربه مولفه‌های آشفتگی روان‌شناختی رابطه منفی داشته و به کاهش میزان آن کمک نماید. برآورده شدن این نیازها برای رشد سالم و امیدواری (اوزمان^{۳۰}، ۲۰۱۴؛ هوتینمی، ساکسلاتی، وات و جاکولا^{۳۱}، ۲۰۱۹)، دست‌یافتن به اهداف بلندمدت (ژانگ، هول و استولارسکی^{۳۲}، ۲۰۱۳؛ میاموتو^{۳۳}، ۲۰۱۳) و سلامت روانی افراد در همه فرهنگ‌ها ضروری است و این یعنی، بهزیستی روانی و کاهش میزان آشفتگی روان‌شناختی بدون تأمین آن‌ها حاصل نمی‌شود (سایلر، روزنبرگ، ال‌نیما و همکاران^{۳۴}، ۲۰۱۴). در صورتی که نیازهای بنیادین روان‌شناختی برآورده شوند، خودارزشمندی شکل می‌گیرد، اما در صورت ممانعت از تأمین آن‌ها، فرد یک ادراک منفی و انتقادی از خود خواهد پروراند؛ که به عملکرد ناسالم و ناسازگاری منجر می‌شود (کاستا، کازوکیا، گاگیاندولا و لارسن^{۳۵}، ۲۰۱۶؛ رایان و دسی، ۲۰۱۷؛ وانستینکیست و رایان^{۳۶}، ۲۰۱۳). با توجه به این موارد در پیشینه نظری و پژوهشی، نقش ارضای ناکافی نیازهای اساسی روان‌شناختی در فراهم‌کردن بستری برای افزایش حالات افسردگی و اضطراب و استرس برجسته به‌نظر می‌رسد (پیلوت و همکاران، ۲۰۲۱). در واقع، ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی برای رشد و تحول روانی مثبت و عملکرد سالم ضروری محسوب می‌شوند و بدون ارضای کافی آن‌ها دستیابی به رشد، بهزیستی روانی و کاهش مولفه‌های آشفتگی روان‌شناختی محقق نمی‌شود (وانستینکیست و رایان، ۲۰۱۳؛ هلواری، هلواری و دسی^{۳۷}، ۲۰۱۹؛ رایان، وانستینکیست و سوئنس^{۳۸}، ۲۰۱۹؛ کول، اشلینکرت، مالدی و بومن^{۳۹}، ۲۰۱۹؛ هلواری و همکاران، ۲۰۱۹). در نتیجه، مبانی نظری و شواهد پیشینه پژوهشی، از اهمیت

مطالعه بیش از پیش روی نیازهای اساسی روان‌شناختی و زمینه‌های تامین آن‌ها، به‌عنوان یکی از مسیرهای کاهش سطح آشفتگی روان‌شناختی و پیشگیری از دچارشدن به این اختلالات، حکایت می‌کند. اما هنوز این مشکل باقی‌مانده است که چرا بسیاری از افراد نمی‌توانند به تامین این نیازهای روان‌شناختی حیاتی خود بپردازند. یکی از موانعی که به‌نظر می‌رسد در این راستا نقش دارد، محیط نامطلوب خانواده و ضعف کارکرد خانواده^{۴۰} است؛ که می‌تواند به عنوان یک عامل پیش‌بین به‌واسطه تضعیف‌کردن بستر و زمینه‌های تامین نیازهای اساسی روان‌شناختی در دانشجویان، افزایش افسردگی و اضطراب و استرس آن‌ها را پیش‌بینی نماید.

ضعف عملکرد خانواده-به‌عنوان اولین بستر رشد و تحول-یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های مشکلات رفتاری (چه از نوع برونی‌سازی^{۴۱} و چه درونی‌سازی^{۴۲}) شناخته شده است (روبینز، والدرون، تارنر و همکاران^{۴۳}، ۲۰۱۹). با توجه به ضرورت کارکرد مطلوب خانواده برای ارضای نیازهای اساسی، کنارآمدن سازگارانه با فشارها و تنش‌های زندگی، به‌نظر می‌رسد که ضعف کارکرد آن، کیفیت زندگی را مختل نموده و در یک سیر تدریجی تضعیف و سرخوردگی روابط اعضا با یکدیگر و کاهش کیفیت زندگی و بهزیستی روانی را به دنبال می‌آورد (رضایی، دهقانی و حیدری^{۴۴}، ۱۳۹۶). مطابق با مدل مک‌مستر^{۴۵}، کارکرد خانواده شش بعد دارد که شامل حل مسئله^{۴۶}، ارتباط^{۴۷}، نقش‌ها^{۴۸}، پاسخدهی عاطفی^{۴۹}، تعلق عاطفی^{۵۰} و کنترل رفتار^{۵۱} می‌باشند (میلر، ریان، کیتنر، بیشاپ و اپشتاین^{۵۲}، ۲۰۰۰). بنابراین کارکرد خانواده به این اشاره دارد که اعضای خانواده به چه درجاتی نقش‌های خود را انجام می‌دهند، روابط عاطفی نزدیک و منسجمی دارند، مشکلات را حل می‌کنند، خود را با قواعد منطبق و به‌طور موثری ارتباط برقرار می‌کنند (ژانگ^{۵۳}، ۲۰۱۸). فرید، رابنستین، دریانانی و همکاران^{۵۴} (۲۰۱۶) در پژوهش خود نشان دادند که بین کارکرد خانواده نامطلوب ادراک شده از سوی نوجوانان و علائم افسردگی رابطه وجود دارد و بالعکس، کارکرد مطلوب خانواده با سطوح پایین‌تر نشانه‌های افسردگی رابطه دارد. بورت، لی، چیونگ و همکاران^{۵۵} (۲۰۱۷) نیز در پژوهش خود نتیجه گرفتند که کارکرد خانواده ضعیف ادراک‌شده توسط نوجوانان و جوانان با نشانه‌های افسردگی و اضطراب بیشتر رابطه دارد. همچنین نتایج پژوهش دوو و کیم^{۵۶} (۲۰۲۰) نشان داد که کارکرد خانواده، با مشکلات رفتاری نوجوانان و جوانان اعم از درونی‌سازی و برونی‌سازی رابطه معناداری برقرار می‌کند. به‌علاوه دولز-دل-کستلار و اولیویر^{۵۷} (۲۰۲۱) در مطالعه خود به این نتیجه دست یافتند که کارکرد ضعیف خانواده به‌طور معناداری اضطراب در نوجوانان را پیش‌بینی می‌کند. کانو-گونزالز و رودریگوئز-نارانخو^{۵۸} (۲۰۱۹) نیز در مطالعه خود آشکار نمودند که همه مولفه‌های کارکرد خانواده، توانستند به‌طور معناداری نمرات افسردگی را در پرسشنامه بک^{۵۹} پیش‌بینی کنند. در نهایت تعدادی از مطالعات نشان داده‌اند که عملکرد ضعیف تر نه‌تنها در ایجاد و توسعه مشکلات روان‌شناختی برونی‌سازی همچون سوء‌مصرف مواد^{۶۰} و پرخاشگری^{۶۱} و بزهکاری^{۶۲} نقش دارد (هومل، شلتون، هرون و همکاران^{۶۳}، ۲۰۱۳؛ هنبرگر، وارگا، مودی و تولان^{۶۴}، ۲۰۱۶؛ فولک، براون، مارشال و همکاران^{۶۵}، ۲۰۲۰)، بلکه از احتمال بیشتر دست‌وپنجه نرم‌کردن نوجوانان و جوانان با مشکلات روان‌شناختی درونی‌سازی یعنی افسردگی، اضطراب و استرس هم حکایت دارد (بنیتو گومز، فلتچر و بوهلر^{۶۶}، ۲۰۱۹؛ دی‌سوزا

و سودهامایی^{۶۷}، ۲۰۱۶). بنابراین، پیش‌بینی می‌شود که کارکرد خانوادگی مطلوب با مولفه‌های آشفستگی روان‌شناختی رابطه منفی داشته باشد و بالعکس، مشکلات کارکرد خانواده افزایش آن‌ها را پیش‌بینی نماید. همچنین همانطور که پیش‌تر اشاره شد، نیازهای اساسی روان‌شناختی به عنوان متغیر واسطه‌ای در این پژوهش در نظر گرفته شده‌است. تاثیر کارکرد خانواده بر نیازهای اساسی روان‌شناختی در پژوهش‌های کمی مورد توجه قرار گرفته است. با این وجود، در این راستا، پژوهش‌های کوسایوروک^{۶۸} (۲۰۱۲)، ناندا، کوتچیک و گروور^{۶۹} (۲۰۱۲)، وهمیر^{۷۰} (۲۰۱۴) نشان می‌دهند که رابطه مثبت معناداری میان کارکرد خوب خانواده و ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی وجود دارد. در واقع، کارکرد خانواده-به‌عنوان اولین محیط اجتماعی کردن^{۷۱} فرزندان نقش مهمی در تامین نیازهای اساسی روان‌شناختی آنان ایفا می‌نماید (اسماعیلی شهنا، شالچی و احمدی^{۷۲}، ۱۳۹۹). بنابراین پیش‌بینی می‌شود که این کارکرد خوب خانواده است که می‌تواند به واسطه تامین نیازهای اساسی روان‌شناختی، کاهش آشفستگی روان‌شناختی دانشجویان را پیش‌بینی کند و بالعکس، ضعف آن می‌تواند به واسطه تضعیف بستر و زمینه‌های تامین این نیازها، افزایش آشفستگی روان‌شناختی آن‌ها را پیش‌بینی نماید. چه بسا، دست‌یافتن به میزان مطلوبی از ارضای این نیازها جهت کاهش آشفستگی روان‌شناختی، بدون مداخله روی ضعف کارکرد خانواده بسیار دشوار باشد. بنابراین، انجام مطالعه درباره این که کارکرد خانواده می‌تواند به واسطه میزان تامین کردن نیازهای اساسی روان‌شناختی، آشفستگی روان‌شناختی را پیش‌بینی نماید، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد؛ چرا که اهمیت مداخلات پیشگیرانه و درمانی متمرکز بر خانواده را برجسته می‌سازد.

در نتیجه، با توجه به ضرورت هرچه روشن‌تر نمودن مسیرهای کاهش مولفه‌های آشفستگی روان‌شناختی و پیشگیری از تبدیل آن‌ها به اختلالات جدی روانی و البته با توجه به مطرح بودن مسیر تامین نیازهای اساسی روان‌شناختی به عنوان یکی از مسیرهای این پیش‌گیری و این موضوع که کارکرد خانواده می‌تواند در ارضای این نیازها را پیش‌بینی کند؛ پژوهش حاضر به دنبال این است که نقش واسطه‌ای هر کدام از نیازهای اساسی روان‌شناختی در رابطه میان کارکرد خانواده با افسردگی، اضطراب و استرس را مورد بررسی و مطالعه قرار دهد.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و مدل‌یابی معادلات ساختاری^{۷۳} است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان همه مقاطع دانشگاه‌های تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بودند که از بین آن‌ها ۲۳۷ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده و به صورت آنلاین در پژوهش مشارکت نمودند. برای برآورد حجم نمونه از منطق پیشنهادی کلاین^{۷۴} (۲۰۱۶) استفاده گردید که برای آزمون مدل‌های علی، به‌طور کلی حجم نمونه بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر را کافی می‌داند و تاکید می‌کند که حداقل نسبت حجم نمونه مطلوب برای هر پارامتر ۵ به ۱ و نسبت مناسب‌تر ۱۰ به ۱ است. با توجه به این که در مطالعه حاضر حدود ۴۵ پارامتر اندازه‌گیری می‌شد، با تاسی از منطق ۱ به ۵ کلاین (۲۰۱۶)، به ازای هر پارامتر حداقل ۵ نفر لازم بود که به

این تعداد اکتفا نشده و ۲۳۷ نفر در گروه نمونه قرار گرفتند. همچنین ملاک‌های ورود شامل دانشجو بودن، داشتن خانواده‌ای با هردو والد و ملاک خروج نیز جدایی والدین و عدم پاسخدهی به بیش از پنج درصد کل سوالات ابزارهای پژوهش بود.

ابزارهای پژوهش

مقیاس سنجش کارکرد خانواده^{۷۵} (FAD): این ابزار ۶۰ سوالی در سال ۱۹۸۳ توسط اپشتاین، بالدوین و بیشاپ^{۷۶} با هدف ارزیابی ابعاد عملکرد خانواده طبق مدل مک مستر برحسب ادراک اعضای خانواده طراحی گردید؛ به طوری که خرده مقیاس‌های آن شش بعد از مدل کارکرد خانواده مک‌مستر یعنی حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، پاسخدهی عاطفی، تعلق عاطفی و کنترل رفتار را ارزیابی می‌نمایند و همچنین از طریق یک مقیاس کارکرد عمومی، عملکرد کلی خانواده را مورد سنجش قرار می‌دهد (میلر، ریان، کیتتر و همکاران، ۲۰۰۰). در این پرسش‌نامه، نمره پایین‌تر در هر مقیاس به معنای عملکرد بهتر و نمره بالاتر به معنای عملکرد ضعیف‌تر می‌باشد. بنابراین نمرات آن حاکی از میزان ضعف و مشکلات کارکرد خانواده هستند. همچنین همسانی درونی آن در مطالعات مختلف مشخص شده است، که بالاترین آن مربوط به مقیاس کارکرد عمومی (بین ۰/۸۳ تا ۰/۸۶) و پایین‌ترین آن مربوط به مقیاس نقش‌ها (۰/۵۷ تا ۰/۶۹) بود (واندسبورگر^{۷۷}، ۲۰۰۱). این ابزار در ایران توسط زاده‌محمدی و ملک‌خسروی^{۷۸} (۱۳۸۵) هنجاریابی گردید و آلفای کرونباخ کلی همه سوالات ۰/۹۴ گزارش داده شد. همچنین در مطالعه رضایی، دهقانی و حیدری (۱۳۹۶) آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۹۲ محاسبه گردید. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۹۱ به دست آمد.

مقیاس برآورده‌شدن نیازهای اساسی روان‌شناختی^{۷۹} (نسخه عمومی): این مقیاس توسط گانیه^{۸۰} (۲۰۰۳) تدوین گردیده‌است و دارای ۲۱ ماده و سه خرده‌مقیاس می‌باشد که هرکدام برآورده‌شدن یکی از سه نیاز استقلال (۷ ماده)، شایستگی (۶ ماده) و ارتباط (۸ ماده) را می‌سنجند. پاسخ‌ها با طیف لیکرت ۵ درجه ای از ۱ (بسیار مخالفم) تا ۵ (بسیار موافقم) مشخص می‌شوند. جمع نمره هر خرده‌مقیاس، نمره آن خرده-مقیاس و نیز جمع نمره همه ماده‌ها، نمره کل را تشکیل می‌دهد. ملزومات روان‌سنجی این مقیاس در پژوهش‌های خارجی به‌طور مقدماتی تایید شده است (گانیه، دسی و رایان^{۸۱}، ۲۰۱۸). وی، شافر، یانگ و زاکالیک^{۸۲} (۲۰۰۵) اعتبار خرده‌مقیاس‌های نیاز استقلال، شایستگی و ارتباط را به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۵، ۰/۸۵ و کل مقیاس را ۰/۹۰ گزارش نموده‌اند. بشارت (۱۳۹۱) در نمونه‌ای از جامعه ایرانی ($n = 312$) ۱۹۲ زن، ۱۲۰ مرد) ضرایب آلفای کرونباخ نمره زیر مقیاس‌های خودمختاری، شایستگی و ارتباط را به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۸۱ و ۰/۹۰ به‌دست آورد. علاوه براین، درمورد روایی همگرا و افتراقی، نشان داد که بین نمره آزمودنی‌ها در خرده‌مقیاس‌های این مقیاس با شاخص‌های برون‌گرایی^{۸۳}، عاطفه مثبت^{۸۴} و بهزیستی روانی^{۸۵} رابطه مثبت معنادار ولی با شاخص‌های روان‌رنجوری^{۸۶}، عاطفه منفی^{۸۷} و پریشانی روان‌شناختی^{۸۸} رابطه منفی معنادار وجود دارد؛ که این نتایج روایی همگرا و افتراقی را تایید می‌کنند. همچنین، بشارت و رنجبر کلاگری^{۸۹} (۱۳۹۲)، در نمونه‌ای متشکل از دانشجویان ($n = 584$) ۳۱۱ دختر، ۲۷۳ پسر) ضرایب آلفای کرونباخ نمره

زیر مقیاس‌های خودمختاری، شایستگی و ارتباط یا همان تعلق را برای دانشجویان به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳ و ۰/۹۱ به‌دست آوردند که حاکی از همسانی درونی خوب مقیاس است. در مطالعه حاضر نیز آلفای کرونباخ این سه زیرمقیاس به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۸۰ و ۰/۷۲ به‌دست آمد.

پرسشنامه افسردگی-اضطراب-استرس^{۹۰} (DASS-21): این مقیاس توسط لایباند و لایباند^{۹۱} (۱۹۹۵) تدوین شده است. هر کدام از خرده‌مقیاس‌های این پرسشنامه ۷ سوال را شامل می‌شوند به طوری که به هر ماده در طیف لیکرت از ۰ (اصلاً در مورد من صدق نمی‌کند) تا ۳ (خیلی زیاد در مورد من صدق می‌کند) پاسخ داده‌می‌شود و نمره نهایی هر خرده‌مقیاس از طریق محاسبه مجموع نمرات سوال‌های آن به‌دست می‌آید و از آنجا که نسخه ۲۱ سوالی فرم کوتاه‌شده مقیاس اصلی (۴۲ سوالی) است، نمره نهایی هریک از خرده‌مقیاس‌ها باید دو برابر شود. لایباند و لایباند (۱۹۹۵) میزان روایی پرسشنامه DASS-21 را ۰/۷۷ و همچنین پایایی خرده‌مقیاس‌های افسردگی، اضطراب و استرس و نیز کل پرسشنامه را با آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۴، ۰/۸۲ و ۰/۸۳ به‌دست‌آورده‌اند. صاحبی، سالاری و اصغری^{۹۲} (۱۳۸۴) نیز پایایی این مقیاس‌ها را با استفاده از آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۹ و ۰/۷۸ محاسبه نمودند. همچنین درمورد اعتبار ملاک، همبستگی زیرمقیاس افسردگی با پرسشنامه افسردگی بک^{۹۳} را ۰/۷۰، همبستگی زیرمقیاس اضطراب با مقیاس اضطراب زانگ^{۹۴} ۰/۶۷ و همبستگی زیرمقیاس استرس با پرسشنامه تنیدگی ادراک‌شده^{۹۵} را ۰/۴۹ به دست آوردند که همگی معنادار بودند. در پژوهش حاضر نیز، پایایی خرده‌مقیاس‌های افسردگی، اضطراب و استرس و نیز کل پرسشنامه برحسب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۷۴، ۰/۷۵ و ۰/۷۶ به دست آمد.

یافته‌ها

در جدول (۱) میانگین و انحراف استاندارد و همچنین ضریب همبستگی پیرسون متغیرها ارائه شده است.

جدول ۱: یافته‌های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

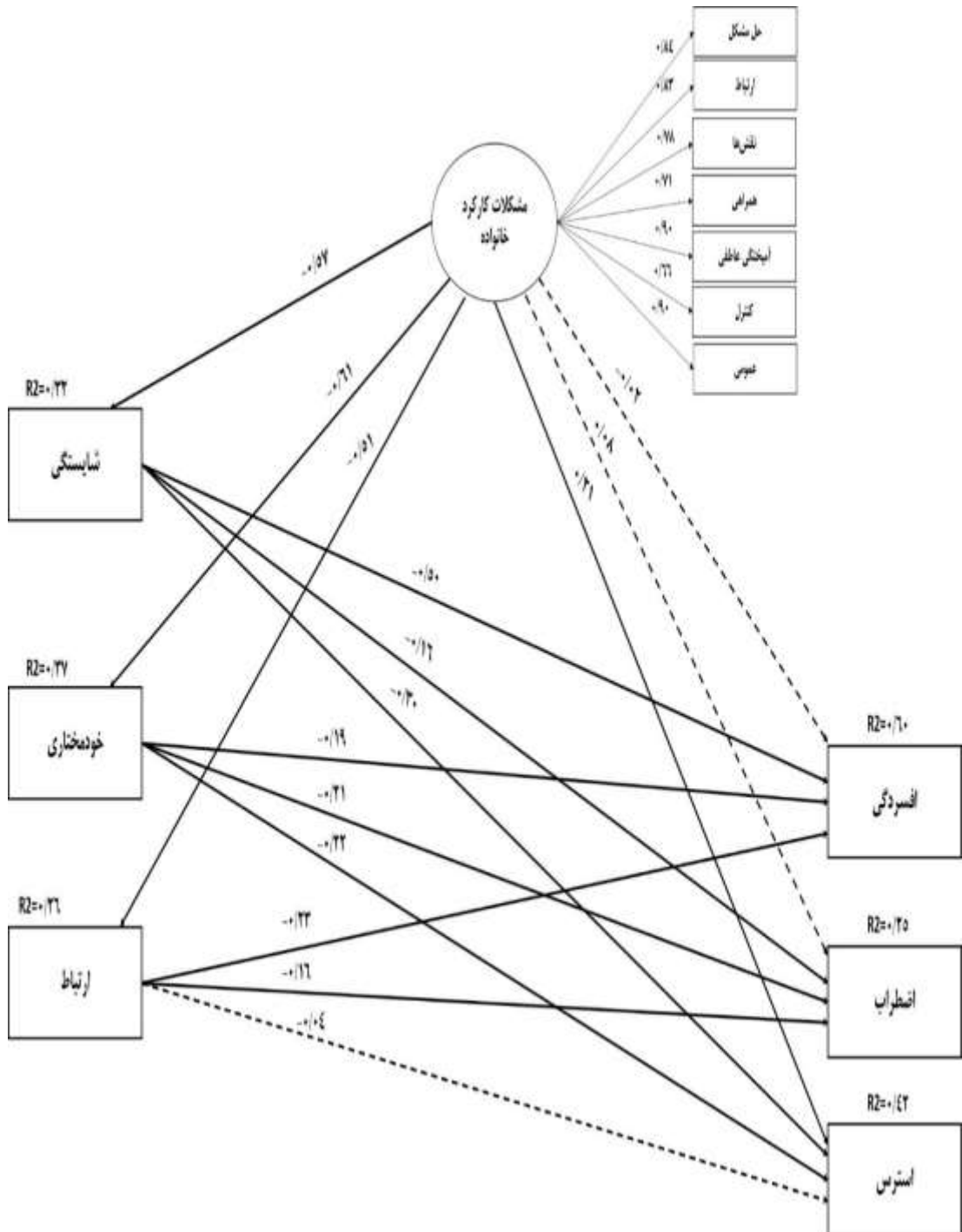
متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کارکرد خانواده	شایستگی	خودمختاری	ارتباط	افسردگی	اضطراب	استرس
ضعف-کارکردخانواده	۲/۲۶	۰/۴۰	۱						
شایستگی	۲۰/۵۵	۴/۴۸	-۰/۵۵*	۱					
خودمختاری	۲۰/۱۳	۴/۷۴	-۰/۵۸۳*	-۰/۵۸۷**	۱				

ارتباط	۲۸/۳۹	۵/۳۲	- ۰/۴۹۸*	۰/۵۰۶**	۰/۵۴۷**	۱		
افسردگی	۷/۱۷	۴/۹۲	- ۰/۴۸۶*	- ۰/۷۱۹**	-- ۰/۶۰۱**	- ۰/۵۸۲*	۱	
اضطراب	۵/۴۴	۴/۰۴	- ۰/۳۶۴*	- ۰/۴۰۶**	-- ۰/۴۳۶**	- ۰/۳۹۲*	۱	۰/۵۳۹*
استرس	۹/۲۸	۴/۴۲	- ۰/۵۱۳*	- ۰/۵۶۵**	-- ۰/۵۴۴**	- ۰/۴۱۸*	۱	۰/۶۳۸**

**p < ۰/۰۱

محاسبه ضرایب همبستگی بین متغیرها در جدول ۱ نشان داد که، رابطه ضعف کارکرد خانواده با افسردگی، اضطراب و استرس در سطح $\alpha = ۰/۰۱$ مثبت و معنی‌دار و به ترتیب برابر با $۰/۴۸۶$ ، $۰/۳۶۴$ و $۰/۵۱۳$ است؛ رابطه ضعف کارکرد خانواده با نیازهای شایستگی، خودمختاری و ارتباط در سطح $\alpha = ۰/۰۱$ منفی و معنی‌دار به ترتیب برابر با $-۰/۵۸۳$ ، $-۰/۴۹۸$ و $-۰/۵۸۳$ است. رابطه نیاز اساسی شایستگی با افسردگی، اضطراب و استرس در سطح $\alpha = ۰/۰۱$ منفی و معنی‌دار و به ترتیب برابر با $-۰/۷۱۹$ ، $-۰/۴۰۶$ و $-۰/۵۶۵$ است. رابطه نیاز اساسی خودمختاری با افسردگی، اضطراب و استرس در سطح $\alpha = ۰/۰۱$ منفی و معنی‌دار و به ترتیب برابر با $-۰/۴۳۶$ ، $-۰/۴۰۶$ و $-۰/۵۴۴$ است. رابطه نیاز اساسی ارتباط با افسردگی، اضطراب و استرس در سطح $\alpha = ۰/۰۱$ منفی و معنی‌دار و به ترتیب برابر با $-۰/۵۸۲$ ، $-۰/۳۹۲$ و $-۰/۴۱۸$ است.

با توجه به جدول قبل و معناداری ضرایب امکان تحلیل‌های بعدی فراهم شد. همچنین شاخص‌های کجی^{۹۶} و کشیدگی^{۹۷} برای بررسی مفروضه‌ی نرمال بودن^{۹۸} توزیع مورد بررسی قرار گرفت. چو و بنتلر^{۹۹} (۱۹۹۵) نقطه برش ± ۳ را برای مقدار کجی مناسب می‌دانند. برای شاخص کشیدگی نیز به طور کلی مقادیر بیش از ± ۱۰ در پژوهش چندمتغیری مسئله آفرین است (کلاین، ۲۰۱۶). مقادیر به دست آمده برای کجی و کشیدگی متغیرها حاکی از تحقق پیش فرض نرمال بودن دارد. علاوه بر این، برای بررسی مفروضه‌ی عدم هم‌خطی چندگانه^{۱۰۰} از شاخص‌های عامل تورم واریانس^{۱۰۱} و آماره تحمل^{۱۰۲} استفاده شد که با توجه به اینکه هیچ یک از مقادیر مربوط به شاخص تحمل کمتر از $۰/۱۰$ و هیچ یک از مقادیر مربوط به عامل تورم واریانس بیشتر از ۱۰ نمی‌باشد، بر این اساس می‌توان نسبت به مفروضه عدم هم‌خطی نیز اطمینان حاصل کرد. بنابراین به منظور آزمون مدل مفروض پژوهش از روش آماری مدلیابی معادلات ساختاری استفاده شد. مدل ساختاری برازش‌شده‌ی پژوهش، در شکل (۱) قابل مشاهده است.



شکل ۱: مدل برازش‌شده‌ی پژوهش

در ادامه در جدول ۲ شاخص‌های نیکویی برازش مدل ارائه شده است.

جدول ۲: شاخص‌های نیکویی برازش مدل پژوهش

شاخص	χ^2	df	χ^2/df	GFI	IFI	CFI	RMSEA
مدل مفروض	۱۰۰/۰۰۲	۴۶	۲/۱۷۴	۰/۹۴۰	۰/۹۷۵	۰/۹۷۴	۰/۰۷۱

به منظور بررسی برازش مدل، شاخص‌های مجذور خی بر درجات آزادی (X^2/df)، نیکویی برازش (GFI)، برازش افزایشی (IFI)، برازش تطبیقی (CFI) و ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) برآورد گردید که نتایج آن در جدول شماره ۲ آمده است. اگرچه در پژوهش حاضر شاخص مجذور کای برای ارزیابی برازش کلی مدل به کار رفت، ولی این شاخص به شدت تحت تاثیر اندازه نمونه است و در نمونه‌های بالا عموماً برازش خوب مدل را نشان می‌دهد (ریکاو و مارکولیدس^{۱۰۳}، ۲۰۰۶). با توجه به این محدودیت، معمولاً شاخص نسبت مجذور کای به درجه آزادی نیز گزارش می‌شود؛ که تاثیر مقدار نمونه بر شاخص مجذور کای را به حداقل می‌رساند. اگرچه توافق جمعی بر سر مقدار قابل قبول بودن این شاخص وجود ندارد، ولی مقادیر کمتر از ۳ معمولاً بیانگر برازش خوب مدل است (کلاین، ۲۰۱۵). RMSEA نیز جزو اصلی‌ترین شاخص‌های برازش مدل است که برای برازش مطلوب مدل ارزش RMSEA باید کوچکتر از ۰/۱ و بهتر این که کوچکتر از ۰/۰۸ باشد (کلاین، ۲۰۱۵). برای شاخص‌های CFI و IFI نیز مقادیر بالای ۰/۹ نشان‌دهنده پذیرش مدل و مقادیر بالای ۰/۹۵ نشان از برازش خوب مدل دارد (کلاین، ۲۰۱۵). بنابراین در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که مدل برازش خوبی با داده‌ها دارد.

برای ارزیابی معناداری آماری اثر واسطه‌ای، از آزمون بوت‌استرپ^{۱۰۴} استفاده شد. در این روش، معناداری زمانی اتفاق می‌افتد که حدود بوت هم‌علامت باشند؛ که در این صورت اثر واسطه‌ای بررسی شده معنادار خواهد بود.

نتایج مربوط به این آزمون در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون بوت‌استرپ برای اثرات واسطه‌ای

P	حد بالا	حد پایین	ضریب غیر استاندارد	متغیر وابسته	متغیر میانجی	متغیر مستقل
۰/۰۰۱	۷/۴۷۷	۳/۷۲۴	۵/۳۹۱		افسردگی	ضعف کارکرد خانواده
۰/۰۰۵	۴/۲۷۳	۰/۶۵	۲/۲۲۴		افسردگی	ضعف کارکرد خانواده
۰/۰۰۱	۳/۷۹۷	۰/۸۸۱	۲/۲۸۶		افسردگی	ضعف کارکرد خانواده
۰/۰۱۶	۲/۸۵۳	۰/۳۱۷	۱/۴۳۴		اضطراب	ضعف کارکرد خانواده
۰/۰۱۴	۳/۹۰۱	۰/۴۵۶	۱/۹۹۲		اضطراب	ضعف کارکرد خانواده

۰/۰۷	۲/۸۹۴	-۰/۱۲۸	۱/۲۶۶	اضطراب	ارتباط	ضعف کارکرد خانواده
۰/۰۰۱	۴/۷۸۷	۱/۴۵۳	۲/۸۸۳	استرس	شایستگی	ضعف کارکرد خانواده
۰/۰۰۷	۴/۳۱۴	۰/۶۵۱	۲/۳۰۸	استرس	خودمختاری	ضعف کارکرد خانواده
۰/۵۱۹	۱/۶۶۶	-۰/۷۳۱	۰/۳۵۳	استرس	ارتباط	ضعف کارکرد خانواده

طبق نتایج به‌دست‌آمده از آزمون بوت‌استرپ، با توجه به هم‌علامت بودن حد بالا و حد پایین مسیره‌ها، به جز مسیر اثر میانجی نیاز ارتباط بین ضعف کارکرد خانواده و اضطراب و استرس، تمام اثرهای غیرمستقیم مربوط به میانجی‌گری نیازهای اساسی شایستگی، خودمختاری و ارتباط در رابطه بین ضعف کارکرد خانواده با افسردگی و اثرهای غیرمستقیم مربوط به میانجی‌گری دو نیاز شایستگی و خودمختاری در رابطه بین کارکرد خانواده با اضطراب و استرس معنی‌دار هستند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هر سه نیاز اساسی شایستگی، خودمختاری و ارتباط در رابطه بین کارکرد خانواده و اصلی‌ترین جنبه آشفتگی روان‌شناختی-یعنی افسردگی- نقش واسطه‌ای ایفا می‌کنند و دو نیاز شایستگی و خودمختاری نیز در رابطه بین کارکرد خانواده و هر سه جنبه اصلی آشفتگی روان‌شناختی یعنی افسردگی، اضطراب و استرس نقش واسطه‌ای ایفا می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر، با هدف نشان‌دادن نقش واسطه‌ای نیازهای اساسی روان‌شناختی در رابطه بین کارکرد خانواده و جنبه‌های اصلی آشفتگی روان‌شناختی یعنی افسردگی، اضطراب و استرس انجام پذیرفت. نتایج این پژوهش نشان داد که، ضعف کارکرد خانواده با متغیرهای افسردگی، استرس و اضطراب رابطه مثبت معناداری دارد. این یافته با پیشینه پژوهشی از جمله مطالعه‌های هومل و همکاران (۲۰۱۳)، یاپ، پیلکینگتون، رایان و جرم^{۱۰۵} (۲۰۱۴)، هنبرگر و همکاران (۲۰۱۶)، دی‌سوزا و سودهامایی (۲۰۱۶)، فرید و همکاران (۲۰۱۶)، بورت و همکاران (۲۰۱۷)، ون‌دن‌برگ، تایمیر، ورهالست و همکاران^{۱۰۶} (۲۰۱۸)، روبینز و همکاران (۲۰۱۹)، بنیتو گومز، فلنچر و بوهلر (۲۰۱۹)، گونزالز و رودریگوئز-نارانخو (۲۰۱۹)، دوو و کیم (۲۰۲۰)، فولک و همکاران (۲۰۲۰) و کستلار و اولیویر (۲۰۲۱) همسو بود. در تبیین این یافته پژوهش، می‌توان گفت ضعف عملکرد خانواده-که با حل مسئله ناموتر، روابط مختل، نقش‌های بدتعریف‌شده، همراهی نابسند، عدم آمیختگی عاطفی، کنترل نامناسب و کارکرد عمومی مشکل‌دار مشخص می‌شود-احتمالا به توانایی نوجوانان و جوانان برای تنظیم هیجانان و رفتارهای خود آسیب وارد می‌کند و این مشکل در تنظیم هیجانی افزایش سطوح آشفتگی روان‌شناختی در آن‌ها را پیش‌بینی می‌نماید (شالچی و اسماعیلی شهنای^{۱۰۷}، ۲۰۱۸؛ هومل و همکاران، ۲۰۱۳).

تبیین دیگر برای این یافته بر نقش متغیر ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی مبتنی است. به این صورت که می‌توان گفت ضعف کارکرد خانواده، بستر و زمینه‌های ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی را تضعیف کرده و به واسطه کاهش سطح تامین نیازهای اساسی روان‌شناختی، آشفتگی روان‌شناختی را پیش‌بینی می‌نماید و این در حالی است که عملکرد خانواده سالم، به واسطه افزایش تامین نیازهای اساسی روان‌شناختی، به کاهش

یا پیشگیری از اختلالات روانی افسردگی، اضطراب و استرس کمک می‌نماید؛ که این تبیین چنان که یافته‌های اصلی پژوهش حاضر نشان می‌دهند، قابل قبول است. یافته‌های اصلی پژوهش حاضر حکایت از این دارند که هر سه نیاز اساسی شایستگی، خودمختاری و ارتباط در رابطه بین کارکرد خانواده و اصلی‌ترین جنبه آشفتگی روان‌شناختی-یعنی افسردگی-نقش واسطه‌ای ایفا می‌کنند و دو نیاز شایستگی و خودمختاری نیز در رابطه بین کارکرد خانواده و سه جنبه اصلی-یعنی افسردگی، اضطراب و استرس-نقش واسطه‌ای ایفا می‌کنند. در تبیین این یافته‌ها، می‌توان گفت که براساس نظریه خودتعیین‌گری، خانواده‌ای که عملکرد مناسبی دارد، در میزان اعمال کنترل به‌طور کارآمدی عمل می‌کند و در نتیجه این عدم افراط در کنترل بیرونی، به فرزندان در ارضای نیاز به خودمختاری کمک می‌نماید؛ همچنین، چالش‌های بهینه‌ای را ایجاد می‌کند که فرصت‌هایی برای تامین نیاز شایستگی فراهم می‌نمایند و نیز طبعاً حفظ الگوهای ارتباطی مطلوب و حمایت عاطفی و عملی مناسب اعضا نسبت به یکدیگر، به ارضای نیاز به ارتباط/تعلق نیز کمک می‌نماید (رایان و دسی، ۲۰۲۰؛ اسماعیلی شهنا، شالچی و احمدی، ۱۳۹۹). به‌علاوه، وقتی فرزندان به خودمختاری و شایستگی دست می‌یابند، این امر موجب افزایش ارتباطات موثر با دیگران شده و همین ارتباطات بیشتر و بهتر با دیگران، خود افزایش ارضای نیاز به خودمختاری و شایستگی را به دنبال می‌آورد و در نتیجه، تاثیر متقابل تامین هر کدام از این نیازها روی ارضای بیشتر نیاز دیگر نیز، حاکی از این است که کارکرد خانواده با ارضای هر کدام از این نیازها موجب تسهیل تامین نیاز دیگر می‌شود (اسماعیلی شهنا، شالچی و احمدی، ۱۳۹۹). از طرف دیگر، اگر خانواده کارکرد مناسبی نداشته باشد، نقش حمایت‌گرایانه خانواده کاهش می‌یابد و به این صورت، روابط والدین با یکدیگر و با فرزندان را تهدید نموده و در بلندمدت به کاهش ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی در فرزندان می‌انجامد (شالچی و اسماعیلی شهنا، ۲۰۱۸). همسو با یافته‌های پژوهش طهرانی‌مقدم و شریعت‌باقری^{۱۰۸} (۱۳۹۷)، پرواضح است که در خانواده‌ای که از ضعف کارکرد رنج نمی‌برد، تنش‌های کمتری وجود دارند و والدین با یکدیگر و با فرزندان خود ارتباطات موثر و کارآمدی برقرار می‌کنند و به‌دور از غفلت یا کنترل بیش‌از حد با آن‌ها تعامل می‌کنند و در نتیجه، فرزندان نوجوان و جوان آن‌ها از احساس خودمختاری و شایستگی بیشتری بهره‌مند می‌شوند و قادر می‌شوند با الگوهای ارتباطی موثرتر و مناسب‌تر با دیگران ارتباط برقرار کنند. به این ترتیب، فراهم شدن بستر تامین بیشتر نیازهای اساسی روان‌شناختی، به کاهش یا پیشگیری از مشکلات روان‌شناختی افسردگی، اضطراب و استرس کمک می‌نماید. چرا که در صورتی که نیازهای بنیادین روان‌شناختی برآورده شوند، احساس عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس در افراد شکل می‌گیرد که به رشد و تحول مثبت آن‌ها و افزایش تجربه عواطف مثبت می‌انجامد (هلواری، هلواری و دسی، ۲۰۱۹)؛ در مقابل در صورت عدم برآورده شدن این نیازها یا ممانعت از تامین آن‌ها، فرد یک ادراک شکننده، منفی، بیگانه و انتقادی از خود خواهد پروراند که این موضوع، به عملکرد ناسازگارانه منجر می‌شود (کاستا و همکاران، ۲۰۱۶؛ رایان و دسی، ۲۰۱۷؛ وانستینکیست و رایان، ۲۰۱۳). در واقع، ارضای ناکافی نیازهای بنیادین روان‌شناختی، احساس عدم کنترل بر امور و عدم توانمندی برای خلق موقعیت‌های خوشایندتر را در پی دارد و در چنین حالتی، فرد تصور می‌کند که نه تنها توانایی خلق پیامدهای مطلوب را ندارد، بلکه برای حمایت شدن از سوی دیگران ارزشی نداشته و قادر به جهت‌دهی و تنظیم زندگی خود هم نیست. این ادراکات منفی موجب احساس درماندگی

شده و عامل خطر برجسته‌ای برای جنبه‌های گوناگون آشفتگی روان‌شناختی و به‌خصوص افسردگی است (لی، ژانگ، یائو و همکاران^{۱۰۹}، ۲۰۲۱). در اثر این احساس عدم کنترل بر شرایط و ادراک ضعف و ناتوانی، خودی‌شکننده و انتقادی پرورش خواهد یافت که بهزیستی را کاهش داده و نشانگان بدعملکردی روان‌شناختی ظاهر خواهد شد (رایان و دسی، ۲۰۱۷). بنابراین، معناداری این واسطه‌مندی نیز با پیشینه پژوهشی و به‌ویژه مطالعه‌های کوسایوروک (۲۰۱۲)، ناندا، کوتچیک و گروور (۲۰۱۲)، وهمیر (۲۰۱۴)، پیلورینی، اسپینلوا، سیدوتی و میکیچی^{۱۱۰} (۲۰۱۵)، شالچی و اسماعیلی‌شهنای (۲۰۱۸) که از تاثیر محیط خانوادگی و کارکرد خانواده بر نیازهای اساسی روان‌شناختی حکایت می‌کنند و همچنین، مطالعه‌هایی که از تاثیر نیازهای اساسی روان‌شناختی بر بهزیستی روان‌شناختی و کاهش آشفتگی روان‌شناختی حکایت دارند، همچون مطالعه نواک و همکاران (۲۰۲۱)، پیلوت و همکاران (۲۰۲۱)، وینستین و همکاران (۲۰۱۶)، کوردریو، پایاکسائو، لنز و همکاران^{۱۱۱} (۲۰۱۶)، کاستا و همکاران (۲۰۱۶)، مارالانی، غلامعلی‌لوانسانی و حجازی^{۱۱۲} (۲۰۱۶)، وی و همکاران (۲۰۰۵)، بشارت و همکاران (۱۴۰۰) و مرادی و چراغی^{۱۱۳} (۱۳۹۳)، همسو می‌باشند.

به علاوه طبق جدول (۳)، نتایج نشان داد که نیاز اساسی ارتباط نتوانسته‌است نقش واسطه‌ای در رابطه کارکرد خانواده با دو جنبه دیگر آشفتگی روان‌شناختی یعنی استرس و اضطراب ایفا کند. اگرچه پژوهشی که دقیقاً منطبق با این یافته باشد پیدا نشد، اما می‌توانیم در نظر بگیریم که شاید تعدیل‌گرهای دیگری در این مسیر وجود دارند که می‌توانند این رابطه را بهتر تبیین نمایند؛ به عنوان مثال می‌توان در نظر گرفت که از آنجا که اضطراب و استرس اغلب درواکنش به تکالیف و تقاضاهای محیط بیرونی تجربه می‌شود، شاید تامین نیاز ارتباط (تعلق) صرفاً در بستر خانواده برای محافظت در برابر اضطراب و استرس کافی نباشد؛ بلکه وجود ارتباطاتی از جنس رابطه دوستانه در بیرون از خانواده یا داشتن ارتباطات دلگرم‌کننده و مفید در محیط تحصیلی/شغلی نیز لازم می‌نماید. از این رو، پیشنهاد می‌شود که پژوهشگرهای بعدی به مطالعه این تعدیل-گرهای احتمالی بپردازند.

در نهایت، لازم به ذکر است که این پژوهش هم مانند هر پژوهش دیگری با محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده‌است. از جمله این که به دلیل محدودیت‌های ناشی از شیوع ویروس کرونا و عدم دسترسی حضوری، نمونه‌گیری انجام شده به روش دردسترس بود و افراد به صورت مجازی در پژوهش مشارکت نمودند. همچنین، تعمیم نتایج آن به سایر گروه‌های غیردانشجو باید با احتیاط صورت گیرد و البته بهتر است که در پژوهش‌های آتی از نمونه‌های دیگر نیز استفاده شود، تا امکان تعمیم نتایج با اطمینان بیشتر فراهم گردد.

پی‌نوشت‌ها

1. Psychological Distress
2. Depression
3. Anxiety
4. Stress
5. Egan, Daly & Delaney
6. Ganji
7. McPherson, McAloney-Kocaman, McGlinchey, Faeth & Armour
8. Necho, Tsehay, Birkie, Biset & Tadesse
9. Ceri & Cicek
10. Coping strategies
11. Stockbridge, Wilson & Pagán
12. Haverkamp, Torensmma, Vergouwen & Honig
13. Basic Psychological Needs
14. Self-determination theory
15. Ryan & Deci
16. Autonomy
17. Competence
18. Relatedness or belongingness
19. Yang, Zhang & Sheldon
20. Auclair-Pilote, Lalande, Tinawi, Feyz & DeGuise
21. Ryan, Ryan, DiDomenico & Deci
22. Weinstein, Khabbaz & Legate
23. Simões & Alarcão
24. Life satisfaction
25. Self-confidence
26. Motivation
27. Novak, Chang, Xu, Shen, Zheng & Wang
28. Unanue, Gómez, Cortez, Oyanedel & Mendiburo-Seguel
29. Besharat, Jafari & Gholamali-Lavasani
30. Uzman
31. Huhtiniemi, Sääkslahti, Watt & Jaakkola
32. Zhang, Howell & Stolarski
33. Miyamoto
34. Sailer, Rosenberg, Al Nima, Gamble, Gärling, Archer & Garcia
35. Costa, Cuzzocrea, Gugliandolo & Larcán
36. Vansteenkiste & Ryan
37. Halvari, Halvari & Deci
38. Ryan, Vansteenkiste & Soenens
39. Koole, Schlinkert, Maldei & Baumann
40. Family functioning
41. Externalizing behaviour problem
42. Internalizing behaviour problem
43. Robbins, Waldron, Turner, Brody, Hops & Ozechowski
44. Rezaei, Dehghani & Heidari
45. McMaster
46. Problem solving
47. Communication
48. Roles
49. Affective responsiveness
50. Affective involvement
51. Behavior control
52. Miller, Ryan, Keitner, Bishop, & Epstein
53. Zhang
54. Freed, Rubenstein, Daryanani, Olino & Alloy
55. Burnett, Lee, Cheong, De Luca, Roberts, Wood, ... & Anderson
56. Du & Kim
57. Dolz-del-Castellar & Oliver
58. Caño-Gonzalez & Rodriguez-Naranjo
59. Beck
60. Substance-abuse
61. Aggression
62. Crime
63. Hummel, Shelton, Heron, Moore & van den Bree
64. Henneberger, Varga, Moudy & Tolan

65. Folk, Brown, Marshall, Ramos, Gopalakrishnan, Koinis-Mitchell & TolouShams
66. Benito-Gomez, Fletcher & Buehler
67. D'souza & Sudhamayi
68. Kocayoruk
69. Nanda, Kotchick & Grover
70. Wehmeyer
71. Socializing
72. Esmaeili-Shahna, Shalchi & Ahmadi
73. Structural Equation Modeling
74. Kline
75. Family Assessment Device
76. Epstein, Baldwin, & Bishop
77. Vandsburger
78. ZadehMohammadi & MalekKhosravi
79. Basic Psychological Needs Satisfaction Scale
80. Gagne
81. Gagné, Deci & Ryan
82. Wei, Shaffer, Young & Zakalik
83. Extraversion
84. Positive affect
85. Well-being
86. Neuroticism
87. Negative affect
88. Psychological distress
89. Besharat & Ranjbar-Kelagari
90. Depression-Anxiety-Stress scale (DASS-21)
91. Lovibond & Lovibond
92. Sahebi, Asghari & Salari
93. Beck Depression Inventory
94. Self Rating Anxiety Scale
95. Perceived Stress Questionnaire
96. Skewness
97. Kurtosis
98. Normality
99. Chou & Bentler
100. Multicollinearity
101. Variance inflation factor (VIF)
102. Tolerance
103. Raykov & Marcoulides
104. Bootstrap
105. Yap, Pilkington, Ryan & Jorm
106. Lambregtse-van den Berg, Tiemeier, Verhulst, Jaddoe, Tindall, Vlachos, ... & Ramchandani
107. Shalchi & Esmaeili-Shahna
108. Tehranimoghadam & Shariatbaqeri
109. Li, Zhang, Yao, Xing & Liu
110. Pellerone, Spinelloa, Sidoti & Micciche
111. Cordeiro, Paixão, Lens, Lacante & Luyckx
112. Mehdipour-Maralani, Gholamali-Lavasani & Hejazi

References

- Auclair-Pilote, J., Lalande, D., Tinawi, S., Feyz, M., & De Guise, E. (2021). Satisfaction of basic psychological needs following a mild traumatic brain injury and relationships with post-concussion symptoms, anxiety, and depression. *Disability and Rehabilitation*, 43(4), 507-515.
- Benito-Gomez, M., Fletcher, A. C., & Buehler, C. (2019). Youth parasympathetic functioning moderates relations between cumulative family risk and internalizing behaviors. *Journal of youth and adolescence*, 48(11), 2307-2322.
- Besharat, M. A., Jafari, F., & Gholamali-Lavasani, M. (2021). Predicting symptoms of anxiety and depression based on satisfying basic psychological needs. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal*, 10(1), 25-34 [in Persian].
- Besharat, M. A. (2012). Psychometric properties of a Farsi version of the Basic Needs Satisfaction in General Scale in a sample of Iranian population, *Journal of Psychological Sciences*, 11(41), 6-24. [in Persian].
- Besharat, M. A., & Ranjbar-Kelagari, E. (2014). The Basic Needs Satisfaction in General Scale: Reliability, validity, and factorial analysis, *Educational Measurement*, 4(14), 147-168. [in Persian].
- Burnett, A. C., Lee, K. J., Cheong, J. L., De Luca, C. R., Roberts, G., Wood, S. J., ... & Anderson, P. J. (2017). Family functioning and mood and anxiety symptoms in adolescents born extremely preterm. *Journal of Developmental & Behavioral Pediatrics*, 38(1), 39-48.
- Caño-Gonzalez, A., & Rodriguez-Naranjo, M. C. (2019). Family functioning characteristics involved in adolescent depressive symptoms. *Age*, 34(001), 005.
- Ceri, V., & Cicek, I. (2021). Psychological well-being, depression and stress during COVID-19 pandemic in Turkey: A comparative study of healthcare professionals and non-healthcare professionals. *Psychology, Health & Medicine*, 26(1), 85-97.
- Chou, C.-P., & Bentler, P. M. (1995). Estimates and tests in structural equation modeling. In R. H. Hoyle (Ed.), *Structural equation modeling: Concepts, issues, and applications* (p. 37–55). *Sage Publications, Inc.*
- Cordeiro, P., Paixão, P., Lens, W., Lacante, M., & Luyckx, K. (2016). The Portuguese validation of the Basic Psychological Need Satisfaction and Frustration Scale: Concurrent and longitudinal relations to well-being and ill-being. *Psychologica Belgica*, 56(3), 193-209
- Costa, S., Cuzzocrea, F., Gugliandolo, M. C., & Larcán, R. (2016). Associations between parental psychological control and autonomy support, and psychological outcomes in adolescents: The mediating role of need satisfaction and need frustration. *Child Indicators Research*, 9(4), 1059-1076.
- Dolz-del-Castellar, B., & Oliver, J. (2021). Relationship between family functioning, differentiation of self and anxiety in Spanish young adults. *PloS one*, 16(3), e0246875.
- D'souza, R., & Sudhamayi, P. (2016). The impact of parenting styles on anxiety and depression in children with learning disabilities. *Indian Journal of Health and Wellbeing*, 7(9), 916.

- Du, X., & Kim, Y. K. (2020). Family functioning and adolescent behavior problems: A moderated mediation model of caregiver depression and neighborhood collective efficacy. *Children and Youth Services Review, 116*, 105-270.
- Egan, M., Daly, M., & Delaney, L. (2016). Adolescent psychological distress, unemployment, and the Great Recession: Evidence from the National Longitudinal Study of Youth 1997. *Social Science & Medicine, 156*, 98-105.
- Esmaeili Shahna, M., Shalchi, B., & Ahmadi, E. (2020). The Mediating Role of Satisfaction of Basic Psychological Needs in Relationship Between family functioning and Socioeconomic Status With Addictibility of Young People, *Modern psychological research, 15*(57), 34-49. [in Persian].
- Folk, J. B., Brown, L. K., Marshall, B. D., Ramos, L. M., Gopalakrishnan, L., Koinis-Mitchell, D., & Tolou-Shams, M. (2020). The prospective impact of family functioning and parenting practices on court-involved youth's substance use and delinquent behavior. *Journal of youth and adolescence, 49*(1), 238-251.
- Freed, R. D., Rubenstein, L. M., Daryanani, I., Olino, T. M., & Alloy, L. B. (2016). The relationship between family functioning and adolescent depressive symptoms: The role of emotional clarity. *Journal of youth and adolescence, 45*(3), 505-519.
- Ganji, M. (2021). *Abnormal Psychology based on DSM-5*. Tehran: Savalan [in Persian].
- Gagné, M., Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2018). Self-determination theory applied to work motivation and organizational behavior. *Journal of Organizational behavior, 26*(4), 331-362.
- Gagne, M., Ryan, R.M., & Bargmann, K. (2003). Autonomy support and need satisfaction in the motivation and well-being of gymnasts. *Journal of Applied Sport Psychology, 15*, 372-390.
- Hagan, J., & Foster, H. (2003). S/he's a rebel: Toward a sequential stress theory of delinquency and gendered pathways to disadvantage in emerging adulthood. *Social Forces, 82*(1), 53-86.
- Haverkamp, G. L., Torensma, B., Vergouwen, A. C., & Honig, A. (2015). Psychological distress in the hospital setting: a comparison between native Dutch and immigrant patients. *PLoS One, 10*(6), e0130961.
- Henneberger, A. K., Varga, S. M., Moudy, A., & Tolan, P. H. (2016). Family functioning and high risk adolescents' aggressive behavior: Examining effects by ethnicity. *Journal of youth and adolescence, 45*(1), 145-155.
- Huhtiniemi, M., Sääkslahti, A., Watt, A., Jaakkola, T. (2019). Associations among basic Psychological Needs, Motivation and Enjoyment within Finnish physical education students. *Journal of Sports Science and Medicine, 18*, 239-247.
- Hummel, A., Shelton, K. H., Heron, J., Moore, L., & van den Bree, M. B. (2013). A systematic review of the relationships between family functioning, pubertal timing and adolescent substance use. *Addiction, 108*(3), 487-496.
- Kline, R.B. (2015). *Principles and practice of structural equation modeling* .4th Ed. New York: Guilford.

- Kocayoruk, E. (2012). The perception of parents and well-being of adolescents: Link with basic psychological need satisfaction. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 46, 3624-3628.
- Koole, S. L., Schlinkert, C., Maldei, T., & Baumann, N. (2019). Becoming who you are: An integrative review of self-determination theory and personality systems interactions theory. *Journal of personality*, 87(1), 15-36.
- Lambregtse-van den Berg, M. P., Tiemeier, H., Verhulst, F. C., Jaddoe, V., Tindall, E., Vlachos, H., ... & Ramchandani, P. G. (2018). Early childhood aggressive behaviour: Negative interactions with paternal antisocial behaviour and maternal postpartum depressive symptoms across two international cohorts. *European psychiatry*, 54, 77-84.
- Li, J., Zhang, N., Yao, M., Xing, H., & Liu, H. (2021). Academic Social Comparison and Depression in Chinese Adolescents: The Mediating Role of Basic Psychological Needs Satisfaction. *School Mental Health*, 1-11.
- Mehdipour-Maralani, F., Gholamali-Lavasani, M., & Hejazi, E. (2016). Structural modeling on the relationship between basic psychological needs, academic engagement, and test anxiety. *Journal of Education and Learning*, 5(4), 44-52.
- McPherson, K. E., McAloney-Kocaman, K., McGlinchey, E., Faeth, P., & Armour, C. (2021). Longitudinal analysis of the UK COVID-19 Psychological Wellbeing Study: Trajectories of anxiety, depression and COVID-19-related stress symptomology. *Psychiatry Research*, 304, 114-138.
- Miller, I. W., Ryan, C. E., Keitner, G. I., Bishop, D. S., & Epstein, N. B. (2000). The McMaster approach to families: Theory, assessment, treatment and research. *Journal of family therapy*, 22(2), 168-189.
- Miyamoto, J. (2013). The effect of self-determination on time perspective and child-care anxiety. *Research Psychology*, 84(2), 176-182.
- Moradi, M. & Cheraghi, A. (2015). the relationship of social supports to psychological well-being and depression: the mediating roles of self-esteem and basic psychological needs, *Developmental Psychology: Iranian psychologists*, 11(43), 297-312. [in Persian].
- Nanda, M. M., Kotchick, B. A., & Grover, R. L. (2012). Parental psychological control and childhood anxiety: The mediating role of perceived lack of control. *Journal of Child and Family studies*, 21(4), 637-645.
- Necho, M., Tsehay, M., Birkie, M., Biset, G., & Tadesse, E. (2021). Prevalence of anxiety, depression, and psychological distress among the general population during the COVID-19 pandemic: A systematic review and meta-analysis. *International Journal of Social Psychiatry*, 67(7), 892-906.
- Novak, C. J., Chang, E. C., Xu, J., Shen, J., Zheng, S., & Wang, Y. (2021). Basic psychological needs and negative affective conditions in Chinese adolescents: Does coping still matter?. *Personality and Individual Differences*, 179, 110889.
- Pellerone, M., Spinelloa, C., Sidoti, A., & Micciche, S. (2015). Identity, perception of parent-adolescent relation and adjustment in a group of university students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 190, 459-464.

- Raykov, T., Marcoulides, G.A. (2006). *A first course in structural equation modeling*. 2th Ed. New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.
- Rezaei, Z. S., Dehghani, M., & Heidari, M. (2018). Quality of life of women heading family: the role of resiliency, and family functioning based on Mc master model. *Journal of Family Research*, 13(3), 407-421. [in Persian].
- Robbins, M. S., Waldron, H. B., Turner, C. W., Brody, J., Hops, H., & Ozechowski, T. (2019). Evaluating supervision models in functional family therapy: Does adding observation enhance outcomes?. *Family process*, 58(4), 873-890.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2017). *Self-determination theory: Basic psychological needs in motivation, development, and wellness*. New York, NY, US: Guilford Press.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2019). Brick by brick: The origins, development, and future of self-determination theory. *Advances in motivation science*, 6, 111-156.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2020). Intrinsic and extrinsic motivation from a self-determination theory perspective: Definitions, theory, practices, and future directions. *Contemporary Educational Psychology*, 61, 101860.
- Ryan, R. M., Ryan, W. S., Di Domenico, S. I., & Deci, E. L. (2019). The CHAPTER6 Nature and the Conditions of Human Autonomy and Flourishing. *The Oxford Handbook of Human Motivation*, 89.
- Ryan, R. M., Vansteenkiste, M., & Soenens, B. (2019). Reflections on self-determination theory as an organizing framework for personality psychology: Interfaces, integrations, issues, and unfinished business. *Journal of personality*, 87(1), 115-145.
- Sahebi, A., Asghari, M. J., & Salari, R. S. (2005). Validation of depression anxiety and stress scale (DASS-21) for an Iranian population. *Developmental Psychology: Iranian psychologists*, 1(4). 293-299. [in Persian].
- Sailer, U., Rosenberg, P., Al Nima, A., Gamble, A., Gärling, T., Archer, T., & Garcia, D. (2014). A happier and less sinister past, a more hedonistic and less fatalistic present and a more structured future: time perspective and well-being. *PeerJ*, 2, e303.
- Shalchi, B., & EsmaeiliShahna, M. (2018). Relationship of family functioning, satisfaction of basic psychological needs and depression considering the mediatory role of emotion regulation difficulty. *Hormozgan Medical Journal*, 22(1), 52-61.
- Simões, F., & Alarcão, M. (2014). Promoting well-being in school-based mentoring through basic psychological needs support: Does it really count?. *Journal of Happiness Studies*, 15(2), 407-424.
- Stockbridge, E. L., Wilson, F. A., & Pagán, J. A. (2014). Psychological distress and emergency department utilization in the United states: evidence from the Medical Expenditure Panel Survey. *Academic Emergency Medicine*, 21(5), 510-519.
- Tehrani Moghadam, H. & Shariat Baqeri, M. M. (2018). Relationship of Family Performance with Responsibility and Basic Psychological Needs Satisfaction of High School Male Students, *Journal of Family Research*, 14(54), 221-235. [in Persian].

- Unanue, W., Gómez, M. E., Cortez, D., Oyanedel, J. C., & Mendiburo-Seguel, A. (2017). Revisiting the link between job satisfaction and life satisfaction: The role of basic psychological needs. *Frontiers in psychology*, 8, 680.
- Uzman, E. (2014). Basic psychological needs and psychological health in teacher candidates. *Social Behavioral science*, 116, 3629-3635.
- Vandsburger, E. H. (2001). *The effects of family resiliency resources on the functioning of families experiencing economic distress*. Doctoral dissertation, Virginia Commonwealth University.
- Vansteenkiste, M., & Ryan, R. M. (2013). On psychological growth and vulnerability: basic psychological need satisfaction and need frustration as a unifying principle. *Journal of psychotherapy integration*, 23(3), 263.
- Wehmeyer, M. L. (2014). Self-determination: A family affair. *Family Relations*, 63(1), 178-184.
- Wei, M., Shaffer, P. A., Young, S. K., & Zakalik, R. A. (2005). Adult attachment, shame, depression, and loneliness: the mediation role of basic psychological needs satisfaction. *Journal of counseling psychology*, 52(4), 591.
- Weinstein, N., Khabbaz, F., & Legate, N. (2016). Enhancing need satisfaction to reduce psychological distress in Syrian refugees. *Journal of consulting and clinical psychology*, 84(7), 645.
- Yang, Y., Zhang, Y., & Sheldon, K. M. (2018). Self-determined motivation for studying abroad predicts lower culture shock and greater well-being among international students: The mediating role of basic psychological needs satisfaction. *International Journal of Intercultural Relations*, 63, 95-104.
- Yap, M. B. H., Pilkington, P. D., Ryan, S. M., & Jorm, A. F. (2014). Parental factors associated with depression and anxiety in young people: A systematic review and meta-analysis. *Journal of affective disorders*, 156, 8-23.
- Zadeh Mohammadi, A., & Malek Khosravi, Gh. (2006). Initial Investigation on Psychometric Properties and Standardizing of Family Assessment Device (FAD). *Journal of Family Research*, 2(1), 69-89 [in Persian].
- Zhang, J. W., & Howell, R. T., & Stolarski, M. (2013). Comparing three methods to measure a balanced time perspective: The relationship between a balanced time perspective and subjective wellbeing. *Journal of Happiness Studies*, 14, 169-184.
- Zhang, Y. (2018). Family functioning in the context of an adult family member with illness: A concept analysis. *Journal of clinical nursing*, 27(15-16), 3205-3224.